

۱۷- نون تأکید

کاربرد آن

برای تأکید فعل امر و مضارع که دارای معنای طلب باشد. (این نون در برابر قد، برای تأکید ماضی است).

اقسام آن

خفیفه (ساکن)

مفتوح است در صورتی که قبل از آن الف نباشد.

إِضْرِيْءُ - إِضْرِيْءِ - إِضْرِيْءٍ

ثقیله (مشدّد)

مکسور است در صورتی که قبل از آن الف باشد.

إِضْرِبَانِيْ - إِضْرِبَانِيَّ

مواضع الحاق آن

الحاق جوازی

بر امر

إِضْرِيْءُ

بر نهی

لَا تُضْرِيْءُ

بر استفهام

هَلْ تُضْرِيْءُ

بر تمنی

أَيَّتَكَ تُضْرِيْءُ

بر عرض

إِلَّا تَضْرِبْ

الحاق وجوبی

بر جواب قسم

وَاللّٰهِ لَأَفْعَلَنَّ كُنَا

در هر یک از آن ها معنای طلب وجود دارد و طلب نیز، با تأکید مناسبت دارد.

دلیل آن: چون قسم غالباً مطلوب متکلم است لذا دوست دارد آخر قسم را هم تأکید کند.

\*نکته ۱: اعراب ماقبل نون تأکید

ضم: در جمع مذکر

إِضْرِيْءُ

ضمه دلالت بر واو جمع محذوفه می کند.

کسر: در مؤنث مخاطب

إِضْرِيْءِ

کسره دلالت بر یاء محذوفه می کند.

مفرد: تا در صورت ضم، شبیه به جمع مذکر و در صورت کسر، شبیه به مؤنث مخاطب نشود.

فتح: در غیر این دو مورد فوق یعنی در

مثنی و جمع مؤنث: چون ماقبل نون، الف است.

إِضْرِبَانِيْ وِ إِضْرِبَانِيَّ

\*نکته ۲: نون خفیفه بر تشبیه و جمع مؤنث به هیچ وجه وارد نمی شود.

دلیل: چون اگر نون حرکت داده شود دیگر خفیفه نیست و اگر ساکن باشد، التقاء ساکنین پیش می آید.

